

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

معاونت بررسی های اقتصادی



ارتقاء توان مقاومت و بهبود موقعیت اقتصاد کشور در صحنه بین المللی در گرو
یکسان سازی و واقعی کردن نرخ ارز

نگارنده:

پیام نوروزی

تیرماه ۱۳۹۵



مقدمه

بررسی اقتصادهای گوناگون نشان داده است اقتصادهایی که صادرات فزاینده ندارند، رشد اقتصادی نیز ندارند و اقتصادهایی که رشد مستمر ندارند، از صادرات رشد یابنده محروم می گردند. لذا تولید، صادرات گرا و صادرات، تولید پایه است. صادرات بدون واردات بی معنی و واردات بدون صادرات ناممکن است. بنابراین تولید و تجارت همزاد و وابسته اند.

بخش مهمی از رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته و نوظهور از محل رشد خالص صادرات این کشورها توضیح داده می شود. همچنین همبستگی مثبتی بین رشد صادرات، رشد تولید ناخالص داخلی و رشد سرانه تولید ملی وجود دارد.

یکی از متغیرهای اقتصادی اثرگذار بر صادرات نرخ ارز است. نرخ ارز یکی از مهمترین متغیرهای اقتصادی است که از سویی روند تغییرات آن بر نرخ رشد اقتصادی تاثیر تعیین کننده دارد. از طرف دیگر می تواند اطلاعات مفیدی را در مورد ابعاد شوک های وارد شده به اقتصاد، به سیاست گذار بدهد که بر مبنای آن، سیاستگذار حجم پول را متناسب با شرایط باثبات اقتصاد کلان تعیین کرده و از طریق آن، اقتصاد را در مقابل شوک های وارده، تا حد امکان مقاوم کند.

حداقل به سه دلیل تغییرات نرخ ارز نمی تواند از چشم سیاست گذاران دور بماند. اول آنکه نرخ ارز یک متغیر اقتصاد کلان است که به راحتی از چگونگی تغییرات آن می توان به وضعیت اقتصاد کلان یک کشور پی برد و ضعف و قوت آن را به اجمال دریافت. دوم، نرخ ارز عاملی است که اقتصاد یک کشور را به اقتصاد دیگر کشورها مرتبط کرده و قابل مقایسه می سازد و بالاخره نرخ ارز متغیری است که بطور آنی قابل مشاهده است و تغییرات آن را نمی توان پنهان ساخت و یا انتشار آمار مربوط به آن را به تعویق انداخت. وضعیت نامطلوب بازار ارز در اقتصاد در دو ویژگی نمایان می شود، اول نوسانات با ابعاد بزرگ در بازه های زمانی کوتاه و دوم نظام چند نرخ که هر دو ویژگی مذکور می تواند بی سروسامانی قابل توجه در وضعیت اقتصاد کلان یک کشور را نشان دهد.

۱. نظام چند نرخ

در نظام نرخ ارز چندگانه، معیار برقراری نرخ های مختلف برای انواع کالاهای صادراتی و وارداتی معمولاً میزان کشش انواع کالاهای وارداتی و صادراتی است. بنابراین از این دیدگاه، سیاست نرخ ارز در واقع نظام خاص مالیات و یارانه است. به عبارت دیگر از واردات کالاهای لوکس و صادرات کالاهای سنتی مالیات گرفته می شود و به واردات کالاهای اساسی و مواد اولیه و صادرات کالاهای صنعتی یارانه داده می شود. علاوه بر این دلایل دیگری را نیز می توان در زمینه اعمال نرخ های ارز چندگانه ذکر کرد که عبارتند از: حمایت از صنایع داخلی و تخصیص ارز به فعالیت های خاص در راستای اهداف سیاست گذران که در اغلب موارد هیچ کدام از این اهداف از طریق نرخ های ارز چندگانه محقق نشده است. ادبیات اقتصادی نیز نشان می دهد با استفاده از یک متغیر اقتصادی مثل نرخ ارز که خود وابسته به سایر متغیرهای کلان اقتصادی است، نمی توان به طور همزمان به اهداف گوناگون اقتصادی نائل شد. برای رسیدن به اهداف مشخص اقتصادی نیاز به ابزارهای سیاستی متنوعی است که باید به طور همزمان و به صورت مناسب به کار گرفته شوند. تجارب سایر کشورها نشان می دهد که هیچ کشوری در بلندمدت از نظام چندنرخ استفاده نکرده است. زیرا امروزه تبعات منفی آن آشکار شده است. به طور خلاصه می توان گفت نظام چندنرخ معایب زیر را دارد:



۱. ایجاد آثار نامطلوب بر تخصیص بهینه منابع و ایجاد الگوهای ناکارآمد تولید و مصرف
۲. توسعه فعالیت‌های سوداگرانه ارزی و افزایش رانت خواری و فساد مالی ناشی از تخصیص اداری ارز
۳. نیاز به وضع مجموعه مقررات ارزی خاص خود و افزایش بوروکراسی
۴. ایجاد شرایط نابرابر رقابتی در اقتصاد در بخش‌های خصوصی و دولتی

در اقتصاد ایران، در مقاطعی یکسان سازی نرخ ارز صورت گرفته است که با توجه به عدم رعایت الزامات آن و نبود ثبات در تصمیم گیری ها در برخی مقاطع ناموفق (۱۳۷۲) و در برخی دیگر موفق (۱۳۸۱) بود. دلایل موفقیت یکسان سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۰ و عدم موفقیت آن در سال ۱۳۷۲ در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۱: دلایل موفقیت و شکست یکسان سازی نرخ ارز در کشور

دلایل موفقیت یکسان سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱	دلایل شکست یکسان سازی نرخ ارز در سال ۱۳۷۲
۱ اتخاذ سیاست پولی انقباضی و کاهش تورم	سیاست مالی انبساطی
۲ انضباط مالی و کاهش کسری بودجه از جمله ایجاد ردیف بودجه تحت عنوان مابه‌التفاوت نرخ ارز کالاهای یارانه‌ای	عدم هماهنگی لازم در اعمال سیاست‌ها در بخش‌های گوناگون
۳ فقدان کسری تراز پرداخت‌ها	کسری تراز پرداخت‌ها قبل از یکسان سازی
۴ ایجاد بسترهای قانونی لازم از جمله ساده‌سازی مقررات ارزی	عدم توجه به ترتیب و توالی سیاست‌های اقتصادی
۵ کاهش بدهی‌های خارجی و اصلاح مدیریت آن	فقدان بستر و شرایط کلان اقتصادی مناسب برای اجرای سیاست یکسان سازی
۶ انباشت ذخایر ارزی و بهبود مدیریت آن	کاهش شدید درآمدهای نفتی و عدم پیش‌بینی نحوه مقابله با بروز احتمالی شوک‌های قیمتی منفی در بازار نفت
۷ ایجاد حساب ذخیره ارزی، تامین ریالی مابه‌التفاوت نرخ ارز تعهد ارزی کوتاه‌مدت سررسید شده از محل این حساب، و خنثی کردن انبساطی افزایش دارایی‌های خارجی بانک مرکزی با کاهش مشابه بدهی‌های دولت به بانک مرکزی	کافی نبودن ذخایر ارزی
۸ جایجایی تدریجی اقلام وارداتی مشمول نرخ ارز دولتی به نرخ ارز بازار آزاد	بدهی‌های تسویه نشده خارجی که سررسید شده بودند



دلایل موفقیت یکسان سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱		دلایل شکست یکسان سازی نرخ ارز در سال ۱۳۷۲	
۹	اتخاذ نظام شناور مدیریت شده ارز	عدم وجود یک بازار متشکل و رسمی با تجربه و آماده	
۱۰	ایجاد بازار بین بانکی ارز پس از تشکیل کمیته های شش گانه شامل ۱. کمیته راهبردی ۲. کمیته تدوین مقررات ارزی ۳. کمیته نظارت و تدوین دستورالعمل های حسابداری ۴. کمیته نظارت و تدوین دستورالعمل های حسابداری و پرداخت ۵. کمیته آموزش و ۶. کمیته تدارکات و تجهیزات	-	

منبع: محمد جعفر مجرد، ۱۳۹۴.

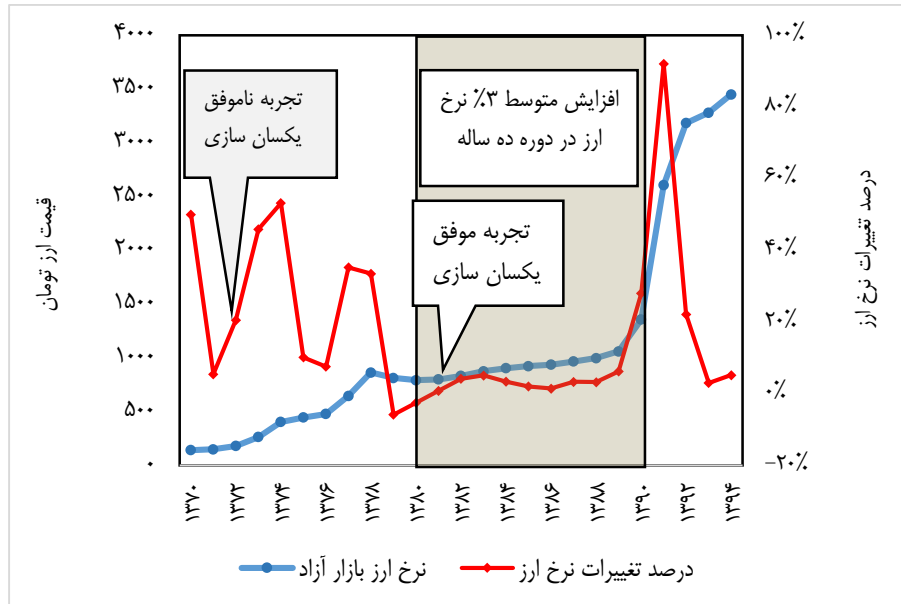
در برنامه های توسعه نیز همواره به یکسان سازی نرخ ارز تاکید شده است. به طوری که در ماده ۴۱ بند الف برنامه چهارم توسعه آمده است که کنترل نوسانات شدید نرخ ارز در تداوم سیاست یکسان سازی نرخ ارز، به صورت نرخ شناور مدیریت شده و با استفاده از ساز و کار عرضه و تقاضا، بادر نظر گرفتن ملاحظات حفظ توان رقابت بنگاه های صادرکننده و سیاست جهش صادرات صورت گیرد. عدم قطعیت در مورد آینده نرخ ارز به نفع اقتصاد و ثبات کلان سیاسی و اقتصادی کشور نیست. نبود نظام تک نرخی ارز و شکاف بین نرخ ارز رسمی و آزاد ضمن افزایش مداخلات اختلال زای دولت در اقتصاد در قالب تشدید کنترل ها و سخت گیری ها به ویژه در حوزه قیمت گذاری کالاها، باعث شکل گیری فساد، رانت های دامنه دار و ماندگار در اقتصاد کشور نیز شده است. برای جلوگیری از انحراف علامت دهی قیمت ها در بازار و امکان حق انتخاب درست به بنگاه ها، ارائه تصویر روشن از وضعیت نرخ ارز در اقتصاد کشور، ضروری است. افزایش تولید و صادرات، تخصیص بهینه منابع کمیاب، جلوگیری از اتلاف وقت فعالان اقتصادی در صف دریافت ارز ارزان، برچیدن زمینه های فساد و رانت و فراهم نمودن شرایط آزادی عمل و زمینه بروز خلاقیت ها برای کارآفرینان و منطقی کردن حمایت های تعرفه ای در گرو واقعی کردن نرخ ارز در کشور است.

۲. نوسانات نامطلوب و کاهش نرخ ارز حقیقی

همانطور که در شکل ۱ مشاهده می شود نرخ ارز که طی دهه هشتاد تنها به طور متوسط سالانه حدود ۳ درصد افزایش پیدا کرده بود، فقط در سال ۱۳۹۱ معادل ۹۲ درصد و به طور میانگین طی سال های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، سالانه ۵۳ درصد افزایش یافت و شوک نرخ ارز به همراه تحریم مبادلات بانکی، آسیب قابل توجهی بر بخش تولید کشور وارد نمود. عدم توازن در عرضه و تقاضای ارز به دلیل محدودیت درآمدهای ارزی و دشوار بودن انتقال و سهم پایین صادرات غیر نفتی، از عوامل اصلی اثرگذاری بالای شوک ارزی در این دوره بود. چنانچه وفق قوانین برنامه های توسعه کشور هر سال متناسب با تفاوت نرخ تورم داخلی و خارجی، نرخ ارز افزایش می یافت

معاونت بررسی های اقتصادی

و توزیع متوازی از افزایش نرخ ارز طی سالهای گذشته صورت می گرفت، بدون تردید منافع آن نه تنها عاید تولید کنندگان، صادرکنندگان و سایر فعالان اقتصادی کشور می گردید بلکه از شدت ضربه تحریم بر اقتصاد کشور نیز کاسته می شد.



شکل ۱: تغییرات نرخ ارز بازار آزاد بین سالهای ۱۳۷۰-۱۳۹۴ منبع: بانک مرکزی و محاسبات تحقیق

عدم توازن در عرضه و تقاضای ارز به دلیل محدودیت درآمدهای ارزی و سهم پایین صادرات غیر نفتی، از عوامل اصلی جهش ارزی ۵۳ درصد متوسط سالانه طی سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ عنوان می شود در حالی که چنانچه وفق قانون برنامه پنجم توسعه کشور هر سال متناسب با تفاوت نرخ تورم داخلی و خارجی، نرخ ارز افزایش می یافت و توزیع متوازی از افزایش نرخ ارز طی سالهای گذشته صورت می گرفت، بدون تردید منافع آن نه تنها عاید تولید کنندگان، صادرکنندگان و اقتصاد کشور می گردید بلکه از شدت ضربه تحریم بر اقتصاد کشور نیز کاسته می شد.^۱

در بسته خروج غیرتورمی از رکود دولت آمده است: «سیاست‌های ارزی دولت در سال ۱۳۹۳ بر مبنای کاهش نوسانات نرخ ارز، حفظ رقابت‌پذیری بنگاه‌های داخلی در مقابل بنگاه‌های خارجی، زمینه‌سازی برای اجرای برنامه یکسان‌سازی نرخ ارز تا پایان سال ۹۴ و تسهیل دسترسی به خدمات ارزی استوار است.»

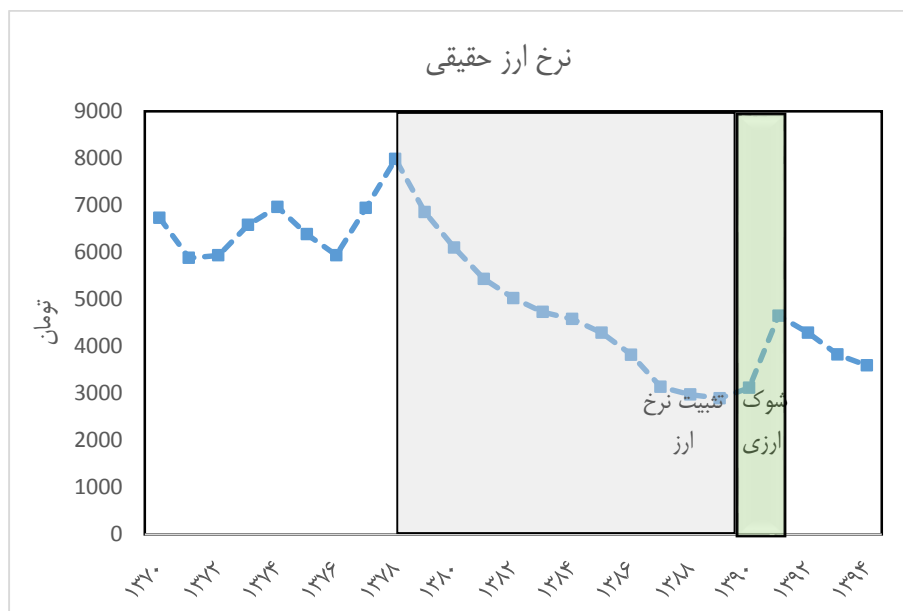
با وجود اقدامات مناسب بانک مرکزی در زمینه کنترل نوسانات نرخ ارز و کاهش ۱٫۶ درصدی انحراف معیار نرخ دلار و همچنین کاهش شکاف نسبی میان نرخ دلار در بازار آزاد و رسمی ارز به میزان ۷٫۱ واحد در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال ۱۳۹۳، همچنان بازار

^۱ برنامه پنجم توسعه ماده ۸۱ بند ج - نظام ارزی کشور، «شناور مدیریت شده» است. نرخ ارز با توجه به حفظ دامنه رقابت‌پذیری در تجارت خارجی و با ملاحظه تورم داخلی و جهانی و همچنین شرایط اقتصاد کلان از جمله تعیین حد مطلوبی از ذخایر خارجی تعیین خواهد شد.

معاونت بررسی های اقتصادی

ارز کشور از وضعیت مطلوبی برخوردار نبوده و عدم قطعیتی در مورد آینده نرخ ارز وجود دارد. از طرف دیگر برنامه دولت مبنی یکسان سازی نرخ ارز در سال ۱۳۹۴ عملی نشده است.

شکل ۲ روند نرخ ارز حقیقی در کشور طی بازه زمانی ۱۳۷۰-۱۳۹۴ را نشان می دهد. همان طور که مشاهده می شود نرخ ارز حقیقی در دهه هشتاد به شدت کاهش یافته است. نتایج کاهش نرخ ارز حقیقی، ضعیف شدن بخش خارجی اقتصاد و کاهش قدرت رقابت پذیری در بازارهای بین المللی است. در شرایط فعلی این مسئله با کاهش رشد شاخص قیمت کالاهای خارجی همراه شده که این عوامل باعث اختلال در روند رشد صادرات کالایی نیز شده است. تجربه ابتدای دهه نود نشان داد که کاهش نرخ ارز حقیقی در بلندمدت پایدار نمانده و اگر سیاستگذار ترتیبی نیندیشد این امکان وجود دارد که شوک ارزی دوباره به وقوع بپیوندد.



شکل ۲: روند نرخ ارز حقیقی در کشور ۱۳۵۷-۱۳۹۴ منبع: بانک مرکزی و محاسبات تحقیق

از این رو اکنون که بعد از توافق هسته ای فضای لازم برای رشد صادرات کشور فراهم شده است. از سیاست گذار انتظار می رود ترتیبی اتخاذ کند که از کاهش نرخ ارز حقیقی جلوگیری کند. آنچه برای بخش تولید و صادرات کشور مهم است افزایش سالانه نرخ ارز متناسب با تفاوت تورم داخلی و خارجی و تعیین یک دامنه محدود برای کنترل نوسانات آن از طریق بانک مرکزی است.

۳. بررسی تاثیر افزایش نرخ ارز بر بخش صنعت

افزایش نرخ ارز می تواند از دو کانال بر واحدهای صنعتی اثرگذار باشد. ابتدا با افزایش قیمت مواد اولیه وارداتی و در نتیجه افزایش هزینه های بنگاه و همچنین از طریق افزایش درآمد صادراتی و رقابت پذیر کردن بنگاهها در بازارهای جهانی. با بررسی درآمدها و هزینه های بنگاه های صنعتی بیش از ده نفر در فاصله سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ که در بازه های از آن کشور با جهش ناگهانی نرخ ارز



معاونت بررسی های اقتصادی

مواجه بود؛ درمی یابیم با افزایش هزینه مواد اولیه وارداتی در کل صنعت به میزان ۳۰,۴ درصد، صناعی مانند صنعت تولید وسایل نقلیه موتوری که نسبت هزینه مواد اولیه وارداتی به ارزش افزوده بیش از ۰,۲ دارند و از ناحیه افزایش هزینه های واردات آسیب پذیر هستند، سهمی کمتر از ۵ درصد در ارزش افزوده کل صنعت دارند. بنا بر این نگرانی بابت تاثیر قابل توجه افزایش نرخ ارز بر بخش صنعت از طریق افزایش هزینه های واردات نیست.

در جدول زیر صنایع مختلف بر اساس دو شاخص سهم زیاد یا کم از ارزش افزوده بخش صنعت و همچنین میزان آسیب پذیری از ناحیه افزایش هزینه های واردات مواد اولیه به چهار گروه تقسیم شده و سهم هر یک از گروه ها از ارزش افزوده و اشتغال در صنعت مشخص شده است.

میزان آسیب پذیری از افزایش نرخ ارز (نسبت هزینه مواد اولیه وارداتی به ارزش افزوده)		شرح	
زیاد (>۰,۲)	کم (<۰,۲)		
سهم از ارزش افزوده: ۱۸,۲ سهم از اشتغال: ۲۷,۸	سهم از ارزش افزوده: ۳۶ سهم از اشتغال: ۵۸,۷	کم (>۵٪)	درجه اهمیت بر حسب سهم از ارزش افزوده
سهم از ارزش افزوده: ۰ سهم از اشتغال: ۰	سهم از ارزش افزوده: ۴۵,۸ سهم از اشتغال: ۱۳,۷۲	زیاد (<۵٪)	

در عین حال با افزایش نرخ ارز و کاهش نسبی قیمت کالاهای داخلی، این کالاها در مقابل کالاهای خارجی قدرت رقابت بیشتری در بازارهای جهانی می یابند. این امر می تواند سبب شود تقاضا برای کالای داخلی در مقابل کالای خارجی افزایش یابد و سهم از بازار تولیدکنندگان داخلی افزایش پیدا کند. رشته فعالیت هایی که درآمد صادراتی دارند از این افزایش در قیمت ارز به صورت آنی بهره مند می شوند چرا که بدون تغییر در میزان تقاضا (به دلیل آن که قیمت محصول آنها در اثر افزایش نرخ ارز افزایش پیدا کرده) میزان درآمد آن ها افزایش یابد. به همین خاطر برای این رشته فعالیت ها شوک ناشی از افزایش در هزینه مواد اولیه وارداتی می تواند تا حدودی جبران شود.

صنایع گوناگونی مانند تولید مواد اولیه پلاستیکی که سهم بیش از ۵ درصد از ارزش افزوده بخش صنعت دارند، به علت وابستگی زیاد به درآمد صادراتی (بیش از ۰,۲ کل فروش) از ناحیه افزایش قیمت ارز درآمد بیشتری به دست آورده و منتفع می شوند. در جدول زیر که صنایع مختلف را بر حسب نسبت صادرات از کل فروش و همینطور سهم از ارزش افزوده صنعت به چهار گروه تقسیم کرده است،

معاونت بررسی های اقتصادی

مشاهده می‌شود که سهم صناعی که هم درآمد صادراتی قابل توجهی دارند و هم سهم زیادی در ارزش افزوده بخش صنعت دارند، تنها ۴,۳ درصد از اشتغال بخش صنعت را شامل می‌شوند و این موضوع برای تمام صنایع صادرکننده حدود ۱۲ درصد است.

میزان بهره مندی از افزایش در نرخ ارز بر مبنای نسبت درآمد صادراتی به ارزش فروش		شرح	
کم (>۰,۲)	زیاد (<۰,۲)		
سهم از ارزش افزوده: ۴۴,۸	سهم از ارزش افزوده: ۹,۴	کم (>۵٪)	سهم از ارزش افزوده
سهم از اشتغال: ۷۸,۶	سهم از اشتغال: ۷,۷		
سهم از ارزش افزوده: ۲۷,۴	سهم از ارزش افزوده: ۱۸,۴	زیاد (<۵٪)	سهم از ارزش افزوده
سهم از اشتغال: ۹,۴	سهم از اشتغال: ۴,۳		

در کل می‌توان اظهار داشت افزایش نرخ ارز نه تنها آسیب چندانی به کل صنعت کشور وارد نمی‌کند، بلکه می‌تواند باعث افزایش درآمد صادراتی در بسیاری از صنایع شده و از این طریق ارزش افزوده کل صنعت را ارتقا بدهد.^۲

۴. اثرات تعدیل نرخ ارز بر تورم

مهم‌ترین کارکرد نرخ ارز به‌عنوان یک قیمت کلیدی، اندازه‌گیری قیمت نسبی بین اقلام داخل و خارج یک اقتصاد است. با تعریف نرخ ارز به‌عنوان «ارزش پول خارجی در مقایسه با واحد پول داخلی»، ملاحظه می‌شود که افزایش این نرخ موجب افزایش قیمت اقلام وارداتی در بازارهای داخلی و در نتیجه کاهش تقاضای آنها می‌شود و در مقابل به کاهش قیمت اقلام صادراتی در بازارهای خارجی و افزایش تقاضای آنها دامن می‌زند. از طرفی، افزایش قیمت اقلام وارداتی و افزایش تقاضای خارجی محصولات داخلی، به افزایش قیمت‌ها و تورم می‌انجامد.

به همین دلیل، کارکردهای اصلی نرخ ارز به‌عنوان یک متغیر سیاست‌های کلان، تغییر در تراز تجاری یا کنترل تورم داخلی است. اثر نرخ ارز بر قیمت‌های داخلی تحت عنوان گذر نرخ ارز^۳ بررسی می‌شود. این اثر در دو مرحله صورت می‌گیرد. در مرحله اول، تغییر نرخ ارز به قیمت کالاهای وارداتی منتقل می‌شود و در مرحله دوم، تغییر قیمت اقلام وارداتی، به قیمت کالاهای عمده‌فروشی و مصرف‌کننده انتقال می‌یابد. در این سازوکار، کاهش ارزش پول (افزایش نرخ ارز) قیمت‌های بالاتری را برای کالاهای وارداتی ایجاد می‌کند و در

نیلی، مسعود و همکاران، ۱۳۹۲، ۲.

³ Exchange Rate Pass-Through



معاونت بررسی های اقتصادی

نتیجه تقاضا برای کالاهای تولید داخل بیشتر می شود. به عبارت دیگر، به جز اثر «مستقیم» تغییر نرخ ارز که از طریق واردات به اقتصاد یک کشور منتقل می شود، یک اثر «غیرمستقیم» نیز وجود دارد که به دلیل افزایش تقاضای خارجی برای محصولات داخلی به ایجاد مزاد تقاضای داخلی برای این محصولات و در نتیجه رشد قیمت داخلی آنها منجر می شود.

اثر آنی و همزمان نرخ ارز بر تورم داخلی در ایران در کوتاه مدت معادل ۱۲ درصد و در بلندمدت، حدود ۳۱ درصد بوده است. علاوه بر این، اثر شوک نرخ ارز بر قیمت های مصرف کننده بیشتر از قیمت های تولید کننده بوده است، در حالی که شوک در PPI (شاخص قیمت تولید کننده)، باعث افزایش CPI (شاخص قیمت مصرف کننده) به همان میزان می شود. نکته قابل توجه این محاسبات، سنجش این موضوع است که شوک ناشی از افزایش نرخ ارز بر قیمت های داخلی، بعد از گذشت ۴ فصل (یک سال) به میزان ۸۴ درصد و بعد از گذشت ۸ فصل (دو سال) به میزان ۹۷ درصد تخلیه می شود. به عبارت دیگر، می توان چنین نتیجه گرفت که تا یک سال، بخش قابل توجهی از اثرات تورمی شوک های ارزی ظاهر خواهد شد و با تقریب خوبی، این شوک تا دو سال کاملاً تخلیه می شود.^۴ طبق نتایج این مطالعه می توان گفت با افزایش ۱۰ درصدی نرخ ارز در سال آینده تنها نرخ تورم ۲٫۶ درصد افزایش می یابد.

همچنین با کاهش تورم اثر گذار نرخ ارز نیز کاهش می یابد. وقتی کاهش تورم موجب تقلیل گذر نرخ ارز شود، هدف گذاری تورم در سطح پایین منجر به کاهش گذر نرخ ارز ناشی از یکسان سازی و حذف ناترازی نرخ ارز می شود. بانک مرکزی به جای هدف گذاری نرخ ارز، هدف گذاری تورم را در پیش بگیرد تا نقش لنگر اسمی اقتصاد نیز از نرخ ارز گرفته شود. در نتیجه، با کاهش نرخ تورم به محدوده های استاندارد، گذر نرخ ارز نیز کاهش می یابد و در این شرایط راحت تر می توان به اصلاحات ارزی با تاکید بر دو هدف عمده «یکسان سازی نرخ ارز» و «حذف ناترازی قیمت از بازار ارز» اقدام کرد.^۵

^۴ مدنی زاده، سیدعلی و ابراهیمی، سجاد، ۱۳۹۴.

^۵ جبل عاملی، پویا، بوستانی، رضا، ۱۳۹۴.



۶. تجربه سایر کشورها در نظام ارزی

کشورها با انتخاب رژیم‌های ارزی خاص بسترهای لازم را برای تحقق اهداف اقتصادی خود فراهم می‌کنند. از جمله آنها دو کشور چین و ترکیه هستند که با توجه به شرایط اقتصادی خود رژیم‌های ارزی متفاوتی اعمال کرده‌اند. استفاده از تجربه این کشورها می‌تواند ما را در انتخاب رژیم ارزی مناسب یاری کند.

چین

پس از جنگ جهانی دوم سیاست چین جایگزینی واردات بود که در آن نرخ ارز را بیش از حد ارزش گذاری کرده بود. در این زمان انگیزه‌های برای صادرات وجود نداشت و دولت شرکت‌هایی را ایجاد کرده بود که کالا را از تولیدکننده داخلی می‌خریدند و صادر می‌کردند. این شرکت‌ها به ازای مابه‌التفاوت قیمت کالاها در داخل و خارج ضرر می‌کردند.

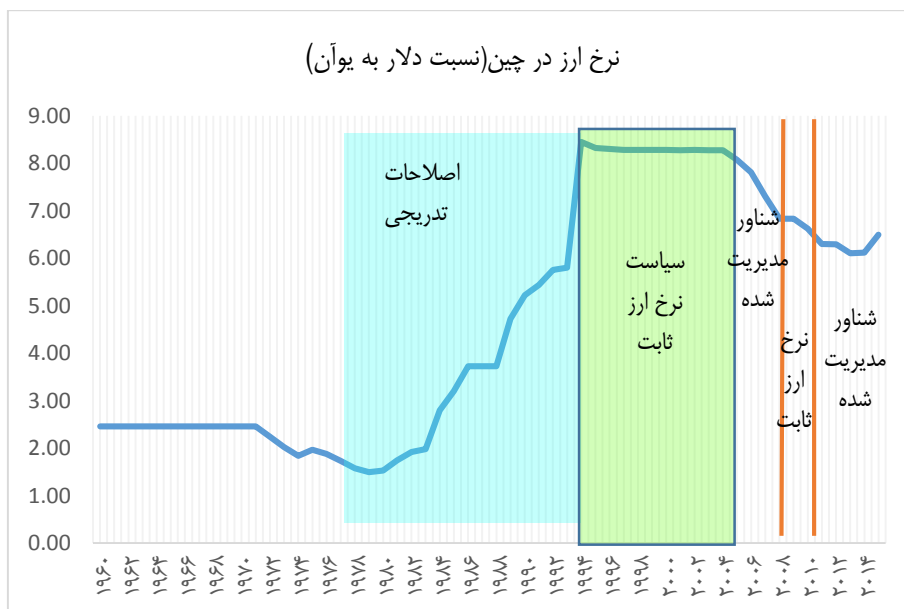
از سال ۱۹۷۸ مجموعه اصلاحاتی در سیاست‌های ارزی چین آغاز شد. به تدریج آزادسازی‌های تجاری انجام شد. رژیم ارز دوگانه ایجاد شد و نرخ ارز رسمی کاهش پیدا کرد. در کل طی این سالها به سمت ایجاد بازار ارز و تعیین آن با عرضه و تقاضا پیش رفت. از سال ۱۹۸۱ چهل درصد درآمدهای ارزی بنگاه‌ها در اختیارشان قرار می‌گرفت. در سال بعد نرخ ارز جدیدی برای حل و فصل معاملات داخلی ایجاد شد که از سال ۱۹۸۵ نرخ ارز مبادله‌ای جایگزین آن شد و هشتاد درصد معاملات با آن انجام می‌شد. این سیاست دونرخی ادامه داشت تا این که در سال ۱۹۹۵ ابتدا سیاست احتباس^۶ ارز کنار گذاشته شد و درآمد ارزی در اختیار بانک مرکزی قرار گرفت. سپس بانک مرکزی رژیم تک‌نرخی ثابت را اجرا کرد؛ که در آن نسبت ارزش یوآن در برابر دلار آمریکا برای مدت‌ها ثابت ماند.

چین از سال ۲۰۰۵ رژیم ارزی نرخ ارز ثابت را کنار گذاشت و رژیم شناور مدیریت شده را برگزید. در این رژیم نرخ یوآن بر اساس یک سبد ارزی تعیین می‌شود و اجازه می‌دهد که در یک بازه حول آن نوسان کند. این بازه در ابتدا $\pm 0,3$ درصد بود و در سال ۲۰۱۴ به ± 2 رسید. البته با بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ چین بار دیگر سیاست نرخ ارز ثابت را پیش گرفت اما از سال ۲۰۱۰ بار دیگر به رژیم ارزی شناور مدیریت شده برگشت. تصمیم برای تغییر رژیم ارزی تغییری برای دوران گذار چین از یک اقتصاد بسته بود. در این سالها ارزش یوآن در برابر دلار حدود ۳۰ درصد افزایش پیدا کرده، تراز حساب جاری چین به دو درصد از تولید ناخالص داخلی آن در برابر ۱۱ درصد در سال ۲۰۰۷ کاهش پیدا کرده است. سروصداها در مورد جنگ تجاری چین در آمریکا و دیگر کشورهای جهان کاهش پیدا کرده است؛ و صندوق بین‌المللی پول اعلام کرده که یوآن منصفانه ارزش گذاری شده است.

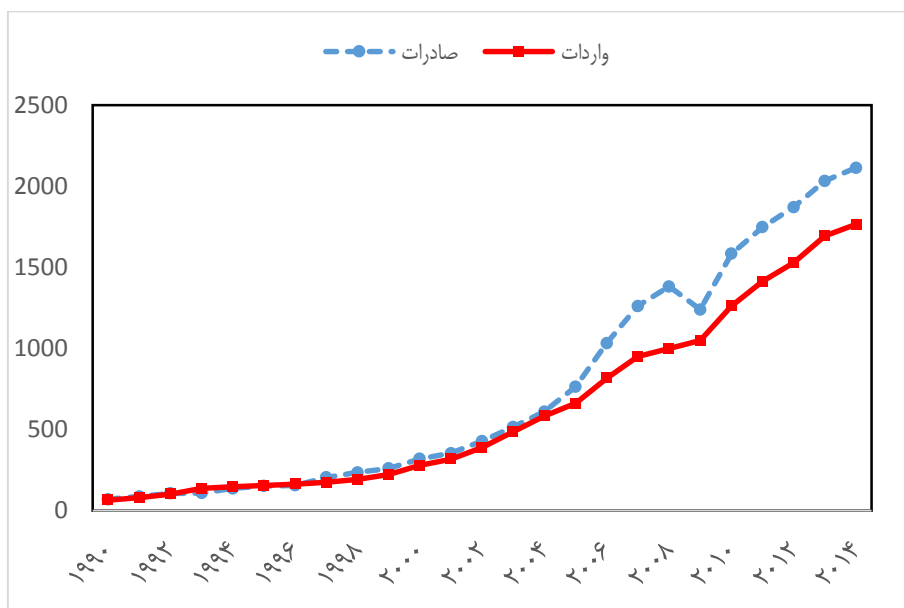
مسئولان بانک مرکزی چین اعلام کرده‌اند با شرایط کنونی دلیلی برای کاهش نسبت یوآن به دلار نمی‌بینند و اطمینان خاطر دارند که بانک مرکزی توانایی پایدار نگه داشتن این نسبت در سطح تراز مناسب را دارد.

⁶ Retention

معاونت بررسی های اقتصادی



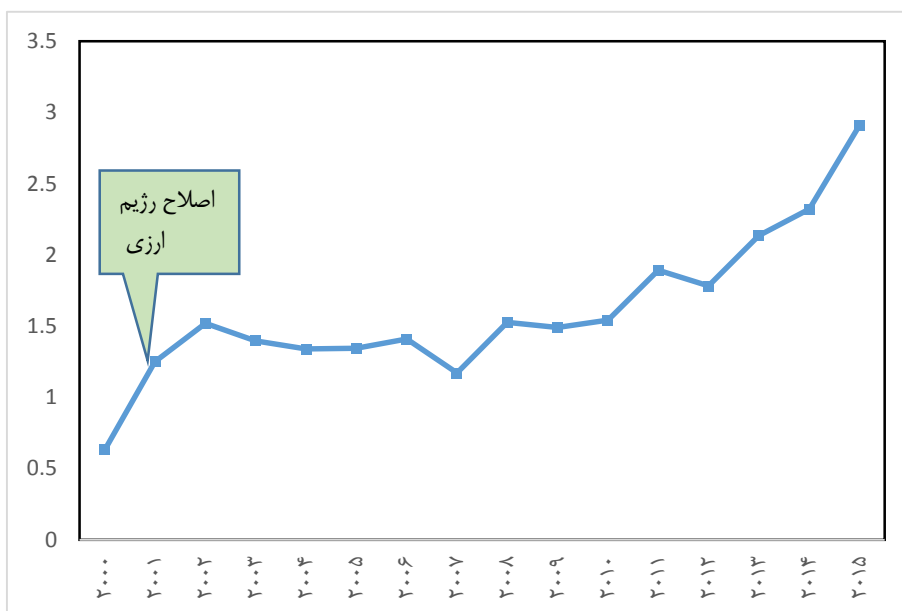
شکل ۳: روند نرخ ارز دلار به یوان بین سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۶۰. منبع: صندوق بین المللی پول



شکل ۴: روند مبادلات تجاری چین از سال ۲۰۱۴-۱۹۹۰. (میلیارد دلار به قیمت ثابت ۲۰۰۵) منبع: بانک جهانی

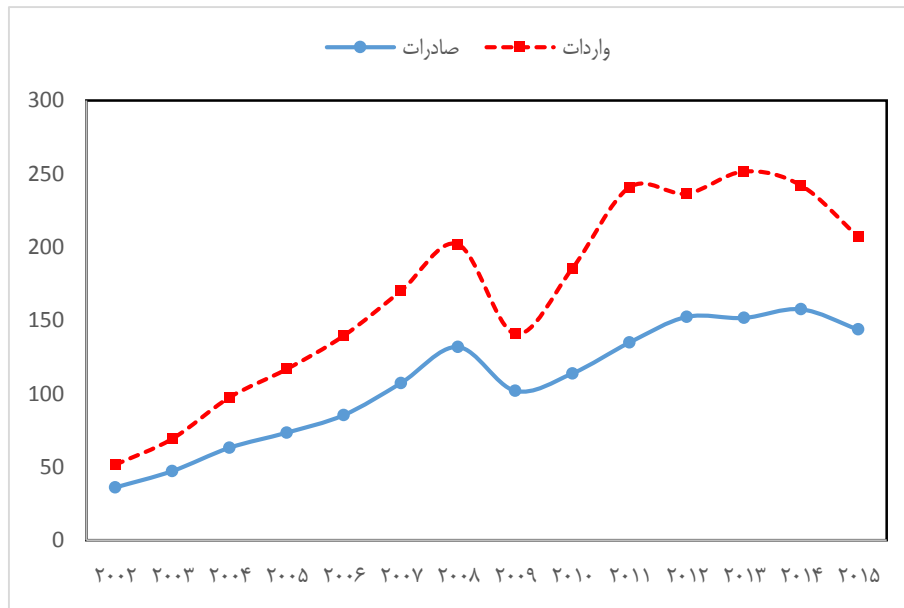
ترکیه

رژیم ارزی شناور در ترکیه از سال ۲۰۰۱، در پی بحران اقتصادی این سال و بر اساس توافقنامه با صندوق بین‌المللی پول اجرا شد که در آن بانک مرکزی کمترین دخالت را در بازار ارز انجام می‌دهد. برنامه اصلی بانک مرکزی از آن سال هدف‌گذاری تورمی بوده است. پس از اجرای این رژیم تولید ناخالص داخلی در ترکیه به طور متوسط سالانه ۵٫۳٪ رشد واقعی داشته است. میزان صادرات نیز غیر از بحران ۲۰۰۸ همواره در حال افزایش بوده است. یکی از عوامل عمده این گشایش اقتصادی در ترکیه تغییر رژیم ارزی آن و اصلاح سیاست‌های بانک مرکزی بوده است. مطابق شکل ۳ در پی اجرای رژیم ارزی شناور در ترکیه در سال‌های ابتدایی نسبت ارزش دلار به لیر ترکیه در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ جهش داشته است؛ اما پس از جهش اولیه، تقریباً روند بدون نوسانی را طی کرده است.



شکل ۵: تغییرات نسبت ارزش دلار آمریکا به لیر ترکیه در ۱۵ سال اخیر منبع: صندوق بین‌المللی پول

پس از اجرای این رژیم، تولید ناخالص داخلی در ترکیه به طور متوسط سالانه ۵٫۳٪ رشد واقعی داشته است. میزان مبادلات تجاری مطابق شکل ۵ غیر از بحران ۲۰۰۸ و جنگ اخیر در سوریه همواره در حال افزایش بوده است؛ که نشان از شکوفایی اقتصاد این کشور دارد. یکی از عوامل عمده این گشایش اقتصادی در ترکیه تغییر رژیم ارزی آن و اصلاح سیاست‌های بانک مرکزی بوده است.



شکل ۶: روند مبادلات تجاری در ترکیه پس از تغییر رژیم ارزی و اصلاحات اقتصادی (میلیارد دلار) منبع: صندوق بین المللی پول

۷. نرخ ارز و اقتصاد مقاومتی

صندوق بین المللی پول پیشنهاد می کند که نرخ ارز باید در خط مقدم دفاع از اقتصاد در برابر شوک های خارجی باشد. مقاطع گذشته بی ثباتی مالی نشان داده است که حتی ذخایر بزرگ برای مقابله با چنین بی ثباتی هایی کافی نیستند. در عین انعطاف پذیری نرخ ارز باید مانند چندسال اخیر به عنوان ضربه گیر اصلی شوک ها باقی بماند. مداخله در ارزهای خارجی باید برای کاهش ریسک در شرایط بی نظمی بازار به کار رود. در عین حال، مداخله در ارزهای خارجی نباید برای مقاومت در برابر حرکت ارزش پول ملی که نشانگر تغییرات در زیرساخت ها است یا به عنوان جایگزین سیاست های تعدیل اقتصاد کلان مورد استفاده قرار گیرد.

نظام دو نرخ ارز در اقتصاد کشور، ضد رویکرد اقتصاد مقاومتی است. در بندهای ۲۰۱۰ و ۱۳ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری به موضوع مهم صادرات اشاره شده است که فراوانی کلمه صادرات در این متن بیش از پیش بر اهمیت آن در زمینه افزایش توان مقاومت پذیری اقتصاد کشور تاکید دارد. این بندها عبارتند از:

۲. پیشتازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه.

۱۰. حمایت همه جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت از طریق:

- تسهیل مقررات و گسترش مشوق های لازم.

- گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیرساخت های مورد نیاز.



- تشویق سرمایه گذاری خارجی برای صادرات.
- برنامه ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل دهی بازارهای جدید، و تنوع بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به ویژه با کشورهای منطقه.
- استفاده از ساز و کار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز.
- ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف.
- ۱۳. مقابله با ضربه پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز از طریق:
 - انتخاب مشتریان راهبردی.
 - ایجاد تنوع در روش های فروش.
 - مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش.
 - افزایش صادرات گاز.
 - افزایش صادرات برق.
 - افزایش صادرات پتروشیمی.
 - افزایش صادرات فرآورده های نفتی.

برای عینیت بخشیدن به اقتصاد مقاومتی و تحقق شعار اقدام و عمل آن لازم است مهمترین پیش نیاز آن یعنی یکسان سازی و واقعی کردن نرخ ارز، مطابق وعده دولت هر چه سریعتر با اصلاح سیاست ارزی تحقق یابد. باید توجه داشت که اعتبار و موقعیت هر کشور بیش از آن که وابسته به ارزش پول ملی آن کشور باشد بستگی به مولفه های مهم تر دیگری از جمله سهم آن در اقتصاد و زنجیره تولید ارزش جهانی دارد. پایین نگه داشتن دستوری نرخ ارز با هدف پرهیز از کاهش ارزش پول ملی، مغایر با اهداف اقتصاد مقاومتی و توسعه پایدار و فراگیر اقتصاد کشور است.



۸. جمع بندی

بررسی روند سیاست‌های ارزی کشور نشان می‌دهد که با وجود تجربه گذشته درخصوص ناکارآمدی رژیم ارزی چندگانه، اتخاذ سیاست‌های نامتناسب اقتصادی و ارزی موجب ایجاد نظام ارزی چندگانه به همراه نوسانات قابل توجه را همراه ساخته است. اکنون بعد از ایجاد توافق هسته، شرایط برای ایجاد رشد صادرات محیا شده است اما تحقق این مسئله مستلزم یکسان‌سازی و واقعی کردن نرخ ارز است.

هر چند در برنامه پنجم توسعه ذکر شده که نرخ ارز متناسب با اختلاف تورم داخل و خارج تعدیل شود. اما این مهم محقق نشده که منجر به کاهش نرخ ارز حقیقی در کشور شده است. نتیجه کاهش نرخ ارز حقیقی، ضعیف شدن بخش خارجی اقتصاد و کاهش قدرت رقابت‌پذیری در بازارهای بین‌المللی است. در شرایط فعلی این مسئله با کاهش رشد شاخص قیمت کالاهای خارجی همراه شده که این عوامل باعث اختلال در روند رشد صادرات کالایی نیز شده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که افزایش نرخ ارز نه تنها آسیب‌چندانی به کل صنعت کشور وارد نمی‌کند، بلکه می‌تواند باعث افزایش درآمد صادراتی در بسیاری از صنایع شده و از این طریق ارزش افزوده کل صنعت را ارتقا بدهد. از طرفی افزایش نرخ ارز متناسب با تورم داخل و خارج، تاثیر زیادی بر سطح عمومی قیمت‌های داخلی ندارد. به طوری که هر ۱۰ درصد افزایش نرخ ارز تنها ۲٫۶ درصد نرخ تورم را در سال اول افزایش می‌دهد.

لذا برای آنکه بتوان سرمایه‌گذاری خارجی جذب کرد و صادرات را نیز افزایش داد. ضروری است ترتیبی اتخاذ گردد که یکسان‌سازی نرخ ارز هر چه سریع‌تر صورت گیرد. همچنین برنامه مشخصی برای نرخ ارز تدوین شده که نرخ ارز متناسب با تورم داخل و خارج تعدیل گردد.



۹. منابع

آیتی، حسین و سعیدی تهرانی، زهره. «یکسان سازی نرخ ارز: چالش یا فرصت»، بیست و پنجمین همایش سالانه پولی و ارزی، تهران، ۱۳۹۴.

بوستانی، رضا و جبل عاملی، پویا. «رژیم پولی مناسب با شرایط ارزی کشور»، بیست و پنجمین همایش سالانه پولی و ارزی، تهران، ۱۳۹۴.

مدنی زاده، سیدعلی و ابراهیمی، سجاد. «اثر تغییرات نرخ ارز بر قیمت های داخلی، بررسی گذر نرخ ارز»، بیست و پنجمین همایش سالانه پولی و ارزی، تهران، ۱۳۹۴.

مجرد، محمد جعفر. «یکسان سازی نرخ ارز». بیست و پنجمین همایش سالانه پولی و ارزی، تهران، ۱۳۹۴.

نیلی، مسعود و همکاران. «عوامل تاثیر گذار بر عملکرد میان مدت اقتصاد ایران»، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، ۱۳۹۲.

International Monetary Fund, Regional economic Outlook, Asia and Pacific, world economic and financial surveys, April 2016.